

## خیمه شب بازی در ایران

مختصر فصلی از کتاب منتشر نشده «تاریخ نمایش در ایران»

گمان می‌رود که پیدایش خیمه شب بازی در ایران - لااقل تا وقتی که مدرك قدیمیتری بدست نیامده - مقارن با کوچ یا نقل آندسته از بازیگران کولی (نوازندگان، رقاصان و غیره) هندی باشد که باختلاف اقوال تعداد دوازده، ده، شش، یا چهار هزار نفر، در زمان بهرام گور بایران آمدند، کسانی که این واقعه را در کتب خود نقل کرده اند نامی از خیمه شب بازیان نمی‌برند. تنها نظامی در فراهم کردن شش هزار بازیگر، در هفت پیکر گوید (۱):

شش هزار استاد دستان ساز      مطرب و پای کوب و لعبت باز  
گرد کرد از سواد هر شهری      داد هر بقعه را از آن بهری  
تا بهر جا که رخت کش باشند      خلق را خوش کنند و خوش باشند

که چون لعبت بازی را در برابر فنون بازیگری دیگر آورده مطمئناً اشاره اش به خیمه شب بازی است. اگر قبول داشته باشیم که نظامی هم داستان های خود را از روی منابع قدیمی و با حفظ امانت نقل می کرده است این ماخذ صحیح بنظر می‌رسد. از جهتی این مطلب با گفته دائره المعارف بریتانیکا (ذیل Persian drama، drama) که یکی از ریشه های نمایشی ایران ریشه کولی میدانند درست می آید.

در دوره اسلامی ایران - تا آنجا که دیده ام - کسی بصراحت مطلبی در باره خیمه شب بازی و سایر اشکاز نمایشی ایران ننوشته (مدارك فارسى پیش از اسلامی در این مورد تقریباً صفر می باشد) است، تنها برخی شعرا ضمن تشبیهات خود، یا تمثیل های عرفانی و غیر آن، از آنها یاد کرده اند. باین دلیل یادداشت های آنان از جهت دریافت چگونگی این هنر در ایران برای ما گرانیه است. از قدیم در ادبیات برای خیمه شب بازی سه اصطلاح وجود داشته است: لعبت بازی، شب بازی، پرده بازی

خاقانی (مرك حدود ۵۹۵ هـ). ضمن شمري آسمان را لعبت باز خوانده:  
مجره گردان شمال، مروحه زن شاخ بيد

لعبت باز آسمان، زوین افکن شهاب (۲)  
ولی گفته‌های نظامی در این مورد صریحتر است از بین اشعار فراوان او که در آنها به خیمه شب‌بازی (البته در لفظ لعبت باز)، پرده‌ای که از پس آن عروسکها را بیرون می‌آورند اشاره شده، آیات ذیل محکم‌ترین دلیل وجود این هنر یافن، در زمان شاعر (مرك ۶۱۵ هـ است):

لعبت بازی پس این پرده هست  
گرنه بر او اینهمه لعبت که بست  
در اندیشه که لعبت باز گردون  
چه بازش آورد زان پرده بیرون  
جهان ناگه شبیه سازی کرد  
پس از آن پرده لعبت بازی کرد  
بازی آموز لعبتان طراز  
از پس پرده گشت لعبت باز  
چو در بازی شدند آن لعبتان باز  
چو لعبت باز شب پنهان کندراز  
من اندر پرده چون لعبت شوم باز  
واشعار بسیار دیگری، از جمله با دو اصطلاح «شب بازی»: (۳)  
نیست بازی ز شیر بردن تاج  
تا چه شب بازی آورد شب داج  
خسب امشب ز راه دم سازی  
تا بینم خیال شب بازی (۴)  
و «برده بازی»:

بهر مدتی گردش روزگار  
ز طرزی دگر خواهد آموزگار  
بیازی در آید چو بازیگری  
ز پرده برون آورد بیکری  
بدان بیکر از راه امسونگری  
کند مدتی خلق را دلبری  
چو پیری در آن بیکر آرد شکست  
جوان بیکری دیگر آرد بدست  
که در آن منظور از «بیکر» عروسک خیمه شب‌بازی است. (۵)

مشهورترین قول درباره خیمه شب‌بازی، رباعی خیام (مرك حدود ۶۲۵ هـ) است:

ما امیشکانیم و فلک لعبت باز از روی حقیقتی نه از روی مجاز  
بازیچه همه بدیم بر نطح وجود افتیم بصندوق عدم يك يك باز  
که در آن حتی به نطمی که عروسکها را روی آن بیازی می‌آوردند،  
و همچنین صندوق - که پس از پایان نمایش عروسکها را در آن می‌پنهاند  
اشاره می‌کند (صندوق هنوز مظهر مهر که گیران و بنگاه‌های شادی است) (۶)  
شیخ عطار (مرك ۶۲۷ هـ) که بواسطه جنبه‌های عرفانی و صوفیانه اشعارش  
اغلب تمیلاتش برای خواننده عادی صراحت کافی ندارد، در جاهای مختلف  
با اصطلاح «برده بازی» توضیحاتی در این باره می‌دهد:

گر بشاهی سرفرازی می کنی      طفل راهی، برده بازی میکنی (۷)  
 - سخن در پرده گوی از پرده سازی      رها کن این خیال و پرده بازی (۸)  
 ولی توضیحات عطار خصوصاً در کتاب « اشترنامه » اهمیت دارد، او در دو قسمت کتابش از پرده بازان یاد می کند . نخست ذیل : حکایت استاد ترك و پرده بازی او (۹) :

پرده بازی [داری] بود استادی بزرگ      چابکی دانا ولی از اصل ترك  
 صورت السوان عجایب ساختی      دایماً باخویش بازی باختی (۱۰)  
 هر صور گمان ساختی در روزگار      خرد کردی دیگر آوردی بکار  
 جمله صورت نقش رنگارنگ داشت      هر يك از رنگی دگر بیرون نگاشت  
 هفت پرده ساختی از بهر کار      جمله رنگارنگ، بر نقش و نگار ...  
 بود نطمی مرورا خوب و لطیف      آن همه صورت در آنجا بد خفیف  
 هفت مزدور از پس آن پرده بود      سالها با جمله شان خو کرده بود ...  
 و دیگر تحت عنوان : حکایت استاد نقاش (۱۱)

بود استادی عجایب ماه و سال      هر دم از نوعی بیازیدی خیال  
 پرده بی در پیش رویش بسته بود      در پس آن پرده او بنشسته بود  
 از صورها مختلف او بی شمار      کرده اندر هر خیالی او نگار  
 ریسمانی بسته بد بر روی نطع      از صورها جمع کردی پیش نطع  
 جمله اندر ریسمان دانی فنون      بود نقاشی عجایب ذوفنون  
 هر چه در عالم بدی از خیر و شر      جملگی کردند آنجا سر بسر  
 نقش انسانات هم بر کرده بود      نقش حیوانات بی مر کرده بود  
 از وحوش و از طیور و هر چه هست      کرده بود از نیست آنجا گاه هست  
 از برون پرده آن می باختی      در درون آن کار را می ساختی  
 بر سر آن نطع چابک دست بود      هر چه بود او را همه در دست بود  
 داشت صندوقی درون پرده او      جملگی پر دخته آنجا کرده او  
 چون برون کردی صورها را از آن      او فنکندی اندر آن بند روان ...  
 چون بیازیدی بهر کسوت بران      در کشیدی بند آن در خـود روان  
 بگسلانیدی صورها اوستاد      پس به دادی هم در آن ساعت به باد  
 پس نهادی آن بصندوق اندرون      او فنکندی آن بزرگ ره نمون  
 اندر آن صندوق او فنکندی و را      کس نمی پرسید از او این ماجرا ..  
 آن همه نقش عجایب در بساط      او فنکندی اندر آن عین نشاط  
 دیگران یکسر همه کردی تباه      صورت و صندوق می کردی نگاه ..

در قسمت اول عطار می گوید که استاد ترك هفت شاگرد مزدور هم داشت و نقشهای خود را بر نطح خیمه نشان میداد و در دو می خصوصاً بر یسمانهای که عروسکها بد آنها بسته میشوند و باحرکت ریسمان به جنبش می آید اشاره می کند، و از صندوق عروسکها هم سخن می گوید. نیز در دنباله شعر اول و تمامی شعر دوم مرتباً اشاره بدرون و برون برده می کند.

دیگر کسی که بما اطلاعی از خیمه شب بازی میدهد «عظاملك جوینی» است در «تاریخ جهانگشا» - که شامل حوادث دوران مغول است تا سال ۶۵۵ هجری - عظاملك در «ذکر صادرات افعال او کنای قآن (۶۰۶ تا ۶۲۱ ه.ق.)» گوید: «دیگر از ختای لمانان آمده بودند و لمتهای ختائی عجیب که هرگز کس مشاهده نکرده بود، از پرده بیرون می آوردند. و از آن جملت يك نوع صور هر قومی بود. در اثنای آن پیری را با محاسن سپید کشیده، و دستاری در سر پیچیده در دنبال اسب بسته بر روی کشان بیرون آوردند. پرسید که صورت کیست؟ گفتند: صورت مسلمانی یاغی است که لشگرهایشان را برین نمط از بلاد بیرون می آرند. فرمود کار لب در توقف دارند...» (۱۲)

کسان دیگری هم در آثارشان کم و بیش راجع به خیمه شب بازی مطالبی آورده اند؛ مولوی (مرک حدود ۷۶۲ ه.ق) گوید:

با عوام این جمله بست و مرده ای  
و حافظ (مرک حدود ۷۶۱ ه.ق) گفته است.

در خیال اینهمه لعبت بهوس میبازم  
و که صاحب نظری نام تماشا ببرد  
و جای دیگر گوید:

راز درون برده چه داند فلک! خموش

ای مدعی نزاع تو با پرده دار چیست؟  
عصار (مرک در حدود ۷۸۰ ه.ق) در مثنوی «مهر و مشتری» آورده است:

نماز شام کین گردون شب باز  
بچستی از درون خیمه فی الحال  
کشند از بهر بازی خیمه را باز  
برون آورد چندین گونه نمثال (۱۴)

متأسفانه شعرا تنها در موارد محدودی برای تشبیه کردن، بسراغ خیمه شب بازی رفته اند، و آن وقتی است که می خواهند از بازیها و در گونیهای طبیعت و تقدیر، و اینکه سر نوشت آنها بدست دیگری (معمولاً پرده دار و لعبت باز) و اوضاع فلکی است گفتگو کنند:

و هیچیک، هیچگاه مستقلاً به توصیف چگونگی آن نپرداخته اند. بهر حال مدارك فوق وجود نمایش عروسکی را (که در خیمه نشان میدادند) و در از منته متوالی ایران (هر چند ممکنست مولوی این نمایشات را در ترکیه دیده باشد) تا نیدمیکند (۱۵)

ظاهراً در دوره اسلامی ایران نخستین اثر مهم را نمایشهای خیمه‌ای زرد بوستان شمال شرقی ایران، و خیمه شب‌بازی مغولان - در عصر مغولها - و سپس نمایشهای عروسکی عثمانی - در عهد صفویه - بر خیمه شب‌بازی ایران نهادند. پیدایش اصطلاحاتی مانند: قی‌ننه (غیمه)، حاج یا تماز، قره گوز و غیره که در گوشه و کنار ایران رسم شده بود از این محل است. اما بعد، «شاردن» از وجود خیمه شب‌بازی در عصر شاه عباس دوم (۱۰۵۲ تا ۱۰۷۸ هـ) شاه صفوی سندی بماند. او در توصیف برگزاری نمایش شاطر گوید میدان شاه اصفهان را آئین بسته بودند و آنجا: «دسته‌های تفریحی و نمایش بود، از قبیل: گروهان رقاصه‌ها و گروهان شاطران - که آماده رقص بودند - هیأت‌های مهر که گیران - با صد گونه شعبده و شیادی - حقه بازان، شمشیر بازان، خیمه شب‌بازان» (۱۶) و جای دیگر گوید: «خیمه شب‌بازان و شعبده بازان ایرانی چنانکه در کشورهای مامور است بهیچ وجه در یوزه گری نمی‌کنند، بلکه در ملاء عام بنمایش میپردازند و هر کس که مایل باشد برایشان پول میدهد (۱۷)».

از خیمه شب‌بازی عهد صفو به سندی دیگری نیز موجود می‌باشد و آن يك مثنوی از «میر طاهر وحید» است که در نسخ کمیابی وجود دارد و راجع بمشاغل عهد صفویه است، که بخشی از آن راهم مشاغل نمایشی تشکیل میدهد. این مثنوی متأسفانه هرگز بدست من نرسیده است، اما کسی رامیشناسم که مدتها پیش آن را یافته و خوانده است و می‌گوید در باره خیمه شب‌بازی هم مطلبی در آن هست.

از خیمه شب‌بازی دوره زندیه و افشاریه مدرکی در دست نداریم، ولی معلومست که کم‌وبیش در گوشه و کنار ادامه داشته. اما باید گفت که از عهد صفویه که ایران و عثمانی روابطی، چه دوستانه و چه نادوستانه، داشته‌اند ایرانیان برخی نمایشهای راجع به عثمانی - که رنگ سیاسی داشت - در ایران نشان میداده‌اند، و کم‌کم این بازیها رنگ سیاسی خود را از دست داد. مهمترین این نمایشها بازی شاه سلیم بود، که شاید در اصل برای تمسخر یا بزرگداشت او نمایش داده میشده است، و بعدها یکی از نمایشهای بزرگ خیمه شب‌بازی شد.

بهاء الله (۱۱۹۶ - ۱۲۷۱ هـ) که از وزیرزادگان ایران بود و سپس بخاطر اعتقادات مذهبی جدیدش حبس و تبعید شد، در ایام کودکی در دستگاه پدر و وزیرش کاملترین این نوع نمایش را دیده بود. او در لوحی که برای سلطان عبدالعزیز عثمانی فرستاد - و بنام «لوح رئیس» معروف است - چنین آورده است: «وقتی که این غلام طفل بود و بحد بلوغ نرسیده، والد از برای یکی از اخوان که کبیر بود در طهران اراده تزویج نمود. و چنانکه عادت آن بلد است هفت شبانه روز

بجشن مشغول بودند. روز آخر مذکور نمودند امروز بازی شاه سلطان سلیم است و از امراء و اعیان و ارکان بلد جمعیت بسیار شد، و این غلام در یکی از غرف عمارت نشسته ملاحظه مینمود؛ تا اینکه در صحن عمارت خیمه برپا نمودند. مشاهده شد صوری بهیکل انسانی که قامتشان بقدر شبری [و جیبی] بنظر میآمد، از خیمه بیرون آمده ندا مینمودند که سلطان میآید کرسیها را بگذارید. بعد صوری دیگر بیرون آمدند، مشاهده شد که بچاروب مشغول شدند و عده اخری بآب باشی. بعد شخصی دیگر ندا نمود. مذکور نمودند جیارچی باشی است. ناس را اخبار نمود که برای سلام در حضور سلطان حاضر شوند. بعد جمعی باشال و کلاه، چنانچه رسم عجم است، و جمعی دیگر با تبر زین، و همچنین جمعی فراشان و میر غضنبان با چوب و فلک آمده در مقامهای خود ایستادند. بعد شخصی باشوکت سلطانی و اکلیل خاقانی، با کمال تبختر و جلال تیقدم مر قویت و وقف اخری، آمده در کمال وقار و سکون و تمکین بر تخت متمکن شد و حین جلوس صدای شلیک و شیپور بلند گردید و دخان خیمه و سلطان را احاطه نمود. بعد که مرتفع گشت مشاهده شد که سلطان نشسته وزراء و امراء و ارکان بر مقامهای خود مستقر در حضور ایستاده اند. در این اثناء دزدی گرفته آوردند از نفس سلطان امر شد که گردن او را بزنند. فی الفور میر غضب باشی گردن آنرا زده و آب قرمزی که شبیه بخون بود از او جاری گشت. بعد سلطان بجنسار بعضی مکالمات نموده، در این اثناء خبر دیگر رسید که فلان سرحد یاغی شده اند. سان عسکر دیده چند فوج از عساکر با توپخانه مامور نمود، بعد از چند دقیقه ازورای خیمه استماع صداهای توپ شد. مذکور نمودند که حال در جنگ مشغولند. این غلام بسیار متفکر و متحیر که این چه اسبابیست. سلام منتهی شد و پرده خیمه را حائل نمودند. بعد از مقدار بیست دقیقه شخصی از ورای خیمه بیرون آمد و چوبه در زیر بغل. از او سوال نمودم این چوبه چیست و این اسباب چه بود. مذکور نمود که جمیع این اسباب منبسطه و اشیای مشهوده و سلطان و امراء و وزراء و جلال و استجلال و قدرت و اقتدار که مشاهده فرمودید الان در این چوبه است... (۱۸)»

مدرکی که فوقاً بعنوان کاملترین نمونه از خیمه شب بازی ایران آورده شد، مربوط می شود به حدود یکصد و سی و پنج سال پیش (چون گوینده آن می گوید که در طفلی این نمایش را دیده ام. تاریخ تولد او ۱۱۹۶ هـ. است. اگر تصور کنیم که درده سالگی این نمایش را دیده باشد، مدرک مربوط به ۱۳۵ سال پیش میشود) و ظاهراً بازی شاه سلیم در اطراف رایج بوده است ولی امروز تا آنجا که میدانم هیچجا اجرا نمی شود.

از آنچه تا کنون گفته ایم نتیجه می گیریم . خیمه شب بازی از طرفی بصورت نمایش دوره گردان که برای جمعیت در گوشه و کنار نمایش داده می شده، و از طرفی دیگر بصورت مجلل و درباری آن وجود داشته است.

«شودز کو Chodzko» که کتاب «تاتر ایرانی Theatre Persan

خود را در ۱۸۷۸ میلادی نوشته و چند سال قبل از آن در ایران بوده، در مقدمه کتابش میگوید:

«قره گوز [= سیاه چشم. نامی که در عثمانی به خیمه شب بازی و تاتر سایه داده بودند و در ایران هم مشهور بوده است] یا نمایش عروسکی [= ماریونت] نمایشی است که خصوصاً بین طوایف چادر نشین که دارای اصل ترك هستند رواج دارد (۱۹)»

بهر حال رواج خیمه شب بازی بین مردم (در عروسی ها، قهوه خانه ها، معرکه ها و غیره) باعث بوجود آمدن شخصیت های عامیانه در این نمایش شد. نمونه این شخصیت ها «پهلوان کچل» است، که عده ای به تاثیر قره گوز عثمانی (۲۰) روی آن اشاره کرده اند. شودز کو در مورد پهلوان کچل می گوید: «قهرمان عامیانه کچل پهلوان [اصطلاح شودز کو. درست آن پهلوان کچل] است. پوشش خاصی ندارد، طاسی نمودار مشخص اوست، همچنانکه خمیدگی پشت، مشخص کننده پولیشینل Polychinelle است. شخصیت

پهلوان کچل خیلی شبیه به «پولشینل ناپل Pulcinello Naple» است. ولی وجه تمایز او نسبت به مشابه های اروپائی [شودز کو این مشابه های اروپائی را] که تنها شباهت آنها به پهلوان کچل شخصیت عامیانه بودن آنهاست. نام می بردا تربیت عمیق مذهبی اوست، و نیز دورویی عمیق او. پهلوان کچل عابد، ادیب، و حتی مثل همه ایرانیان شاعر است. کار مهمش اینست که ملاها را گول بزند و سر بر زنان و جوانان زیبا روی بگذارد...» سپس او نمونه ای از يك نمایش خیمه شب بازی مربوط به این قهرمان را ذکر می کند: «پهلوان کچل نزدیک آخوند می رود. لباسش چون لباس عابد مسلمانان است. اگر طاسی سرش نبود نمی شد او را شناخت. آه می کشد، ورد میخواند، و با مهارت عجیبی ادای عربی دانه را درمی آورد. با آخوند تسبیح می اندازد، حدیث می گوید، ولی خصوصاً روی خیرات و مبرات و زکات تکیه می کند. آخوند بسیار خوشش آمده. پهلوان کچل از مانده های بهشتی و حوریان صحبت می کند. آخوند کاملاً شیفته شده است و بوی مانده های بهشتی را زیر دماغ خود حس می کند. آخوند و پهلوان کچل کم کم در حال شیفتگی دعا را رها کرده به وجد و سرور و رقص می پردازند و شراب می نوشند.»

چون روی رف يك تاروچند شیشه شراب خلد شیراز هست. برای آنها که رسوم شرقی را می‌شناسند دریافتن جنبه مضحك این تارتوف (۲۱) مسلمان بسیار آسان است.

پهلوان کچل نمودار مردم ایران است. ملت والاتر، از نظر تمدن، نسبت به همسایگانش، وملتی که با وجود این بالاتری از سیزده قرن پیش تا بحال همیشه مورد تسلط نژادهای بیگانه واقع شده، همیشه برده بوده، اما حس بالاتری خود را حفظ کرده، در نتیجه مقاومت داخلی که در مقابل اربابانش داشته کم کم تبدیل به يك نوع دورویی وریا شده است (۳۲)»

گفته شود زکو در حد خود جامع و جالب است و احتیاج به توضیح ندارد. ولی باید به نکته دیگری در مورد خیمه شب‌سازی عصر او اشاره کرد؛ بر اثر تسلط گاه‌گاہ سربازان روس بر بخش‌هایی از صفحات شمال هر بار برای مدت کوتاهی عروسک‌روسی «پتروشکا» (۲۳) که روحیه‌ای نیمه شرقی دارد، وارد در نمایش‌های عروسکی ایرانی شده، ولی ظاهراً اثری که این بر نمایش‌ها گذاشت عمیق نبود و نفوذش ادامه نیافت، هر بار با تسلط نفوذ روسها تماشاگران این نمایش مدتی رواج گرفت و بالا از بین رفتن قدرت آنها از میان رفت. در اواخر عهد قاجاریه و خصوصاً احمدشاه هم بسیاری نمایشهای عروسکی سیاسی در اطراف اجرا می‌شده است - این مربوط است به دوره‌ای که مردم فکر میکردند روشنفکر شده‌اند - در تعداد کمی از این نمایشها عروسکی شبیه به احمدشاه (با همان لباس و کلاه) درست میکردند، و کسی که سر نخ عروسکها را بدست میگرفت هم خود لباسی مانند لباسهای اروپائی (خصوصاً انگلیسی) میپوشید و او و دیگر همراهان او را حرکت میداد و بجایشان صدا در می‌آورد. با این نمایش میخواستند نشان بدهند که سر نخ اینها بدست انگلیسیهاست. اما امروز این نمایش بیشتر از آنجهت جالب است که صحنه گردان هم در اصل نمایش رلی بازی میکرد و مردم او را روی صحنه خیمه میدیدند.

بهر حال، می‌دانیم که در عصر قاجاریه خیمه شب بازی پیشرفت و پس از استقرار مشروطیت که مردم کم‌کم گمان کردند با مسائل واقعی تری سروکار دارند از رونق آن کاسته شد و متجددین باصرار از آن و بازیهای نظیر آن پرهیز می‌کردند. با اینهمه نمایش عروسکی تا بیست سال پیش رواج نسبی داشت.

در عصر حاضر خیمه شب بازی بکلی اهمیت خود را بواسطه ورود سرگرمیهای دیگر در زندگی عامه مردم (به ترتیب رواج: گشایش تعدادی کافه، پیدایش نمایش‌های اروپائی، رادیو، سینما، تلویزیون و مهمتر از همه تظاهر به روشن بینی) از دست داده است. تنها عده‌ای فراموش شده در اطراف دهات و قصبهات یا زوایای محله‌های



عقب مانده گاه گاه نمایش عروسکی برآه می اندازند، در برخی عروسی ها و یکی دو قهوه خانه هم ممکن است بقایای آنرا یافت. چند بنگاه «شادی» هم وسایل این بازی را دارند که گاهی بدعوت صاحبان مجالس آنرا برپا می کنند. کافه شهرداری تنها محل ثابتی بود که از ۱۳۱۹ به بعد ضمن برنامه های شبانه خود یک نمایش خیمه شب بازی هم داشت که بسیار مورد علاقه مردم بود، متأسفانه برنامه های این محل هم چند سالی است قطع شده.

از سال ۱۳۳۶ - هنرهای زیبای کشور در صدد برآمد برای حفظ و ادامه این هنر یک کلاس آموزشی نمایش عروسکی ترتیب دهد، این کلاس تشکیل شد، بعد هم نمایشگاهی اجر کرد، ولی متأسفانه کارها و آثار گروه های آماتوری فارغ التحصیل و وابسته باین اداره هرگز برای عموم بنمایش در نیامده است تا بتواند مورد توجه و داوری واقع شود.

### مشخصات عمومی خیمه شب بازی ایران: بلندی قامت عروسک های

ایران در حدود بیست و پنج سانتی متر بطور متوسط (حد اکثر ۴۰ سانت) است لباسهای زنها روسری و شلیته و چاقچور برنگهای مختلف (معمولا نزدیک بواقعیت) و لباس مردها گاهی کلاه نمیدی، پیراهن آبی یا قرمز و شلوار سیاه گشاد است.

عروسکها از جنبه ظاهری شکل واقعی دارند و شخصیت های آنها هم گرچه کمی سطحی، ولی واقعی است، هر عروسک میتواند نوع خاصی از خلق و خوی مردم باشد، ولی از آنجهت که گرداننده کار سعی دارد مرتباً از برابر واقعیات عینی بگریزد داستان گسسته، و گاه حرفهایی مقدمه و دنباله میشود، و رویهم رفته بهره برداری کافی از امکانات نمایش عروسکی - درجهت باارزش آن - نمی شود و درجهت ذوق عوام می افتد. امکان این کار را همان گسستگی داستان و حرفها میدهد، داستان و حرفها شامل مقداری بامزه گیجانی است که ربط چندانی به یکدیگر ندارند.

اغلب شخصیت های یک نمایش عروسکی محدوداند، برای چگونگی کارهای آنها یا نوع شخصیت ایشان قبلاً توسط گرداننده چیزی نوشته نشده است تنها برابر با سنت و قرار قبلی باخود، آنها را حرکت میدهد و تماشاچی را پیش میبرد. داستان منظمی در بین نیست، و میتوان آنرا به نسبت تعداد و رغبت تماشاگران کش داد یا کوتاه کرد.

چند شخص مهم این نمایشها عبارتند از: پهلوان کچل (که ذکرش گذشت) پهلوان پنبه ای، که تنها برای ضعیف تران از خودش صاحب شجاعت است، عروس،

که هم خجالتی و هم بر مدعاست، مادر زن، ملا، عروسکی شبیه به دیو که کار مهمی انجام نمیدهد و غیره. یکی از داستانهای خیمه شب بازی راجع به پهلوان پنجه ای است که همه کس حتی مادر زن خود را میکشد و آخر سر تنها خودش و زنش باقی میمانند.

نوعی از نمایش عروسکی در برخی از بخش های ایران (از جمله شیراز) وجود داشته است و حالا هم شاید وجود دارد که در آن عروسکها تنها صاحب سر هستند و تنه ندارند، در این نمایشها از آنها معمولاً نیمی از تنه را هم دارند و استثناً تا ممکن است عروسکی هم پیدا شود که تمام تنه را داشته باشند.

زیر این سر، تن، پانیم تنه، کیسه ای با بهتر است بگوئیم چیزی شبیه آستین بسته اند، که هم پانیم تنه عروسکها را تشکیل می دهد و هم دست صحنه گردان از داخل آن کیسه - یا آستین - سرها را آنطور که باید تکان میدهد. بنابراین در چنین شکلی از نمایش عروسکی نخ یا ریسمان که توسط آن عروسکها را بحرکت آورند وجود ندارد. و باز بدلیل آنکه گرداننده و حرکت دهنده عروسکها یک نفر است، و با هر دو دست تنها یک عروسک را حرکت میدهد، پس معمولاً شخصیت های فعال روی صحنه از دو پایه عروسک بیشتر نیستند و عروسک سوم را هم یک دستیار حرکت می دهد.

در عصر حاضر برای خوش آمد مردم گاه اشیائی که رواج آنها رسم تازه است، بر اشیاء روی صحنه می افزایند. خصوصاً وسایلی که پهلوان کچل بعنوان جهیزیه برای زنش میفرستد با تغییر وسایل هر سوم تغییر پیدامی کنند (۲۴).

داستانهای خیمه شب بازی تماماً داستانهای عامیانه است، و ادبای ایران که دائماً درج سیر و سلوک و شهرهای عشق را طی میکرده اند هیچکدام این نمایش (و نظایر آنرا) قابل ندانسته اند که داستانی برایش طرح کنند.

عروسکها معمولاً از چوب ساخته میشوند و اندو مفاصل حرکتی آنها هم وسعت کافی نداشته است.

موسیقی این بازی معمولاً ضرب بوده است و گاهی آوازه های محلی، که هر دورا شخصی که او را در شده می نامند اجرا میکرده. این مرشد شخص مهمی است چون نیمی از حرفها (که مکالمه ای بین شخص های بازی بوده) را او از خود در می آورده و نیم دیگر را دستیار یا صحنه گردان اداره میکرده اند و نیز گاهی شکل اجرای خیمه شب بازی گفتگویی بین مرشد و یک عروسک بوده است. مرشد در حالیکه ضرب می نواخته کنار خیمه قرار داشته است و صدای عروسک را دستیار یا صحنه گردان در می آورند. صدای عروسک عادی نبوده و کسی که صدای او را در می آورده

سوتکی دردهان می گذاشته و نفس را حین مکالمه از آن بیرون میداده ، در نتیجه صدای عروسک بسیار «زیر» بگوش میرسید . بهمین دلیل اغلب صدای زیر مفهوم نبوده و برای آنکه تماشاگر گفته‌های او را بفهمد کم کم سنت شده است که مرشد قبل از پاسخ گفتن به عروسک ابتدا یکبار حرف او را بالحن استفهام باز گو کند ، و این خود نوع بسیار جالبی در گفتگو است اینطور :

عروسک : میخوام برم خونه بابام

مرشد : می خوای بری خونه بابات ؟ چه کنی ؟

عروسک : من دیگه تو این خونه نمی مونم ، میرم خونه بابام

مرشد : تو دیگه تو این خونه نمی مونی ؟ میری خونه بابات ! چرا مگه چی شده ؟

عروسک : شوورم به من خرجی نمیده . هر روزم کتکم می زنه .

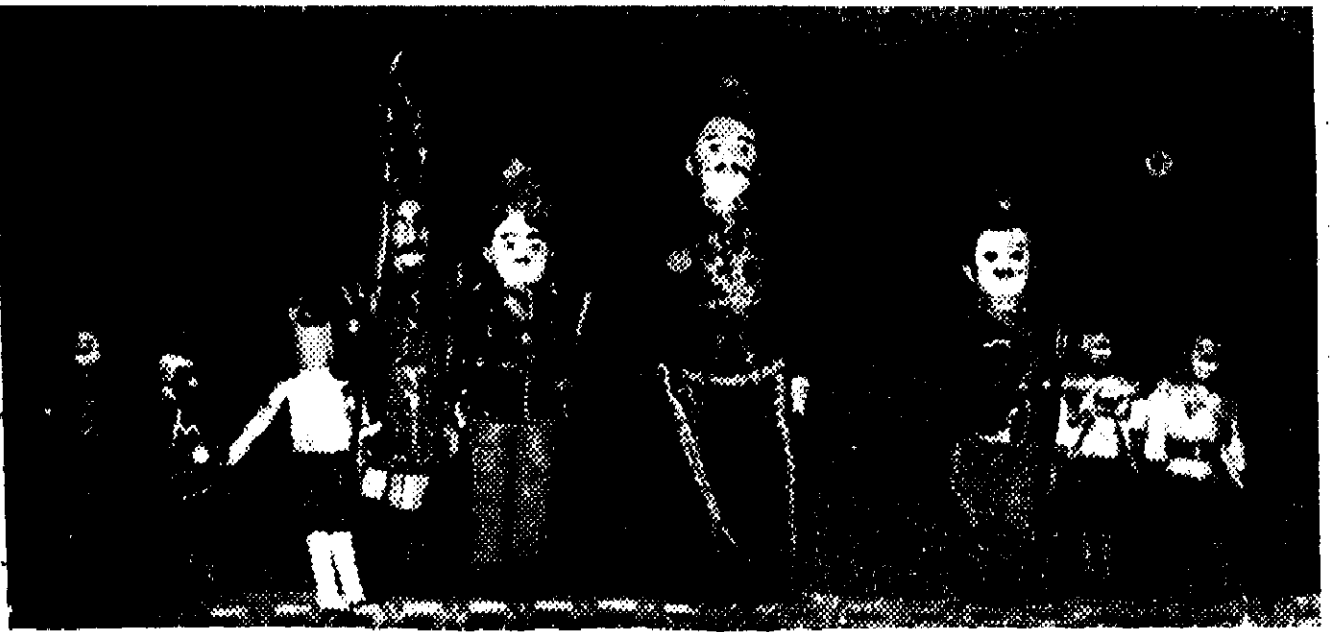
مرشد : شوورت بهت خرجی نمیده ؟ هر روزم کتکت می زنه ؟ خوب تو

چه کار می کنی ؟

عروسک : من گریه می کنم . من میخوام برم خونه بابام .

مرشد : تو گریه میکنی ؟ .... الی آخر .

متأسفانه هیچگاه در ایران تماشاگاه ثابتی برای نمایشهای ایرانی (تئاتر) وجود نکیه برای یکماه از دوره ناصری . و بر نامه کافه شهرداری برای شش ماه در سال طی پانزده سال از ۱۳۲۰ استثنائی است) وجود نداشته است ، و چنانکه گفتیم گردانندگان نمایشها بیشتر دوره گرد بوده اند و یادرقه‌خانه و برخی مجالس عروسی و ختنه سوران ، و جشن‌ها نمایش میداده اند، شاید از این رو، و بیشتر از آنجهت که نمایشها کمتر مورد توجه عمیق محافل بالا قرار گرفته این گردانندگان گمنام مانده اند «ولی کار گردانان معروف این فن [خیمه شب بازی] که از آنها نامی باقی مانده یکی «کمال محمد شیرازی» بوده و دیگران «تقی» و «رضا» بوده اند که بساط رنگین و مرتبی داشته اند . در حال حاضر «مشهدی حسین» که بیش از پنجاه سال است دست بکار این فن میباشد بساط منظم و مرتبی دارد ، و خیمه و عروسکهای او جالب و دیدنی هستند (۲۵) ❀



چند عروسک ایرانی

## «واژه نامه»

بازی شاه سلیم: یکی از مهمترین داستانهای موضوع خیمه شب بازی. راجع به جنگها و کارهای شاه سلطان سلیم عثمانی.

بازی شب: یعنی خمر نوشیدن و آتشبازی کردن و بیرون آوردن صورتها و این راهفت بازی گویند.

(فرهنگ آندراج)

— رجوع به «شب بازی» شود.

پرده: آن باشد که مشهبدان و لعبت بازان [رجوع به خیمه شب بازی شود] فرو آورند و از پس آن هر گونه لعب و شعبده بمردم تماشائی نمایند.

باعوام این جمله پست و مرده زین عجیتر من ندیدم پرده - مثنوی  
(فرهنگ دهخدا)

پرده باز: کنایه از لعبت باز و خیال باز و بر این قیاس پرده ها بازی، و در مصطلحات مترادف شب بازی.

شیخ عطار:

طفل راهی، پرده بازی میکند [۱]

و در شاهی سرفرازی میکند

فیضی فیاضی:

آورده ام از فسون طرازی

در پرده دری و پرده بازی  
(فرهنگ آندراج)

— یعنی لعبت باز و خیال باز

(فرهنگ رشیدی)

- تا توئی در صورت خود در نیاز هم تویی صورتگر و هم پرده باز  
( اشتر نامه - ص ۲۱ )

پرده بازی: مرادف شب بازی ( رجوع ب شب بازی شود ) - از مصطلحات  
( غیث اللغات )

- مرادف لعبت بازی و شب بازی .

( فرهنگ دهخدا )

آروده ام از فسون طرازی در پرده دری و پرده بازی  
( فیضی فیاضی - بنقل از آنتندراج )

پرده دار: مرادف پرده باز ، صاحب دستگاه پرده بازی  
جایگاهی دید راز راز دار بود آنجا ایستاده پرده دار

( اشتر نامه - ص ۲۰۸ )

پرده ها فانی شود با پرده دار پرده را بر گیر و داز روی کار  
پرده را کلی بسوزد پرده دار راز خود بار از دل کن آشکار

( همان کتاب - ص ۱۹۸ )

پهلوان کچل : قهرمان عامیانه خیمه شب بازی که سرتاس و پوشش  
های گوناگون دارد ، موجودی است زیرک و کمی موزی . از غایت شهرت  
گاهی نام او به کل خیمه شب بازی اطلاق شده است .

- نام یکی از بازیها ( تاترها ) می متداول ایران است که مقلدین و  
بازیگرها در مجلس عروسی و غیره آنرا می نمودند ( فسوسی ) . قهرمان خیمه  
شب بازی . پهلوان کچلک .

( فرهنگ دهخدا )

- از جمله بازیهای است که مختص به یک شهر و بلد نبوده و در همه جا عمومیت داشته  
و هر مملکتی این بازی را در آورده ، منتهی اسامی مختلف بآن داده . در ایران پهلوان  
کچل ، در عثمانی قره گوز ، در فرنگستان گین بول و بولیشیتل اش نامیده اند  
ولی در واقع و نفس الامر پهلوان یکی بود ، اسم و لباسش بر حسب اختلاف ملیت  
مختلف شده و طرز بیان و رفتارش باختلاف ازمنه و امکانه تغییر یافته ، ولی تمام  
از روی یک سبک و رویه بود و همه وقت اسباب خنده تماشاچیان شده و میشود .  
( صد و پنجاه مقاله - ص ۱۱۹ ) ( ۲ )

پهلوان کچلک : نامی که در برخی جاهای ایران به خیمه شب بازی  
داده اند و نوع ساده و قابل حمل این نمایش بوده است .

**جی جی بی جی** : نامی که در برخی جاها (شیراز و اطراف آن) به خیمه شب بازی داده اند. ظاهراً وجه تسمیه آن اینست که چون مرشد صوتکی در دهان میگذارد، و صداها را تقلید می کند، صدایش خیلی «زیر» و «جینی» میشود پس این اصطلاح شبیه آن صدا را برگزیده اند.

**حاجی یاتماز**: [از کلمه حاج عربی و یاتماز ترکی به معنی بی خواب و کسی که نمی خسبد] لعبت و بازیچه ای است اطفال را، و آن بصورت مردیست از کائوچوک بالعابی کاواک و در پایان آن فلزی نهاده که مرکز ثقل اوست، و از هر سوی آن را افکنند بر سر پای ایستند. **Poussah ou Poussa**

(فرهنگ دهخدا)

- و در خیمه شب بازی هم گاه بکار میرفته است  
**خیمه** : مأخوذ از تازی. چادر و ستاه و منزلگاه قابل حمل و نقل که از پارچه های کلفت مانند کرپاس و کتان و جز آن میسازند.

(فرهنگ نفیسی)

چنان نمود مرا وضع چرخ و شکل نجوم که خیمه ایست بر از لعبت سیم اندام

(عبید زاکانی)

- اطاقکی ز پرده ها که درون عروسکها بحرکت آورند، و شب بازی می کنند

**خیمه شب بازی**: ظاهر ادراصل خیمه (با کسره اضافه) شب بازی بوده است مرادف لعبت بازی، پرده بازی. عمل نمایش دادن عروسکها بر روی قطع در چادر. **خیمه شب باز** : مرادف لعبت باز. عامل خیمه شب بازی.

**شب باز** : کسی که در نمایش شب کار کند، و شب بازی نمایش (تیا تر) است (زبان شعر و نثر)...

(فرهنگ نظام)

- معروفست و آن کسی است که شبها بازی کند و صورت های مختلف از پس پرده بنماید.

(برهان قاطع)

- کسی را گویند که که شب بازی کند و صورت های مختلف از پس پرده جلوه دهد.

(انجمن آرای ناصری - فرهنگ آندراج)

**شب بازی** : دو نوع است. یکی آنکه بهیئت هادر شب بصورت مختلفه بر آیند و امردان را بشکل زنان متشکل سازند، و دوم آنکه خیمه برپا کرده، اشکالی

منقوشه صفحه چرم و کاغذ در نظر جلوه دهند، غایتش اینکه قسم اول گاهی روزانه هم این عمل کنند، و قسم ثانی مخصوص شب است.  
مخلن کاشی :

شیخ شهرم که کند منع ذلعت بازی  
گر بدستش فتد آن زلف کند شب بازی.

محمدقلی سلیم :

روز روشن وقت صورت بازی آئینه است

هست عیبی در هنر آنرا که شب بازی کند

(آندراج)

نظامی :

چنان بود شب بازی روز کار  
که شه را در گون شد آموز کار.  
در قسمی از شب بازی لمبت نشان میدادند. برای بازی تیاتر  
(Theatre) از قدیم در فارسی دو لفظ بوده :  
۱- شب بازی ۲- شبیه در آوردن و شبیه گردانی. لفظ دوم مخصوص  
تغزیه بوده که تیاتر صحرای کر بلا است.

(فرهنگ نظام)

صندوق : جعبه ایست که وسایل خیمه شب بازی (یا بازیهای مشابه) را در آن می نهند تا قابل حمل و نقل شود. در نوشته ها خیلی به در آمدن عجایب از صندوق، و به صندوق رفتن پرده ها و عروسکها پس از ختم نمایش اشاره کرده اند. ادیبان در شعرو نثر آنرا صندوق عدم نامیده اند نموده اند. یا بگور و تابوت تشبیه کرده اند، و با برخی توصیفات عرفانی دیگر از آن عطار در برخی از اشتر نامه با ابهام و پیچیدگی خاصی از خیمه شب بازی و صندوق یاد میکند :

در پس پرده یکی پیر شریف  
برز جوهر عکس آن چون مه منیر  
او فتاده بود روشن کرده را  
او فتادی پیر را اندر کنار  
پیر آنرا ناگهان خود بستندی  
پس نهادی سردو آنجا باز او  
یکسر دیگر در افتادی از آن  
در نهادی و فرو بستندی و را

دید ناگه پرده سبز و لطیف  
بود صندوقی نهاده پیش پیر  
نور آن صندوق اند پرده را  
هر زمانی یک سری آنجا بزار  
در کنارش چون سرافتاده شدی  
بر سر صندوق کردی باز رو  
باردیگر چون که بگذشتی از آن  
پیر باردیگر آن صندوق را

آن سر از صندوق خاموش آمدی

چون کسی در خواب بیهوش آمدی

او بمانده زار و حیران در جنون      تاچه آید از پس پرده برون ...

(مخلص صفحات ۱۸۱ تا ۱۸۶ کتاب اشترنامه)

**لعبت :** بالضم و بای موحده مفتوح . چیزی که بآن بازی کنند و

تصاویر جامه که دختران بازی کنند .

(غیاث اللغات)

- لعبت بالضم ، پیکر نگاشته یا عام است ...

(منتهی الارب)

**لعبتان :** جمع لعبت . و آن آنست که دخترکان و دوشیزگان از لته و

جامه ، بصورت آدمی سازند .

(برهان قاطع)

**لعبت باز :** عروسک باز، عامل خیمه شب بازی.

(فرهنگ دهخدا)

مرادف شب باز عموماً و بعضی گویند بگیتی های که مردان را بشکل

زنان بر آورده رقصانند خصوصاً . و الاول هو الاصح . حکیم حاذق گیلانی :

همچو لعبت بتار لعبت باز      خلق در پیچ و تاب رشته اوست

میرزا بیدل :

مشو حیران لعبت های صورتخانه گردون

به لعبت بازیگر کز پس چادر کند بازی

(آندراج)

**لعبت بازی :** مرادف شب بازی ، خیمه شب بازی ، پرده بازی ،

عمل لعبت بازی

هر شد : کسی که در خیمه شب بازی ضرب میزند و آواز میخواند ، با

عروسکها مکالمه میکند یا بجای ایشان حرف میزند . نقش مرشد در خیمه

شب بازی بسیار مهم است زیرا تنظیم عامل صوتی خیمه شب بازی با اوست

مرشد غیر از خیمه شب باز است .

**نطع :** سفره ای چرمین ، یا جز آن که عروسکها را روی آن به

حرکت درمی آورند .

اقتیم به صندوق عدم يك يك باز

بازیچه همه بدیم بر نطع وجود

(خیام) - (۴)



## حواشی:

- ۱- هفت پیکر- بخش : صفت خشکسالی و شفقت بهرام.
- ۲- دیوان خاقانی - بکوشش دکتر ضیاءالدین سجادی ( زوار ۱۳۳۸ )  
ص ۴۴
- ۳- این اشعار از جاهای مختلف خسمه نظامی گرده است و بنظر نمی رسد که  
شمردن جاهای يك يك آنها ضروری باشد. برخی اشعار دیگر نظامی را که صراحت  
نسبی کافی دارند نقل می کنیم :

دولعبت بازرا بی پرده کردند	ره سر مه به میل آزرده کسردند
رخ چون لعبتش در دلنوازی	به لعبت باز خود میگرد بازی
باز گشتند لعبتان از ناز	خیره گشته ز چرخ لعبت بساز
دگر ره چرخ لعبت باز دستی	بازی بررد با لعبت پرستی
لعبتان آمدند عشرت ساز	آسمان باز گشت لعبت بساز

- ۴- هردویست از هفت پیکر است.
- ۵- از اقبالنامه.
- ۶- در رباعی دیگری از پیام پتیبی است که با صراحت کمتری در آن به پرده-  
بازی اشاره شده :
- برده هر مکن تکیه که دوران فلک  
در پرده هزار گونه بازی دارد
- ۷- از : منطق الطیر.
- ۸- از : اسرار نامه.
- ۹- اشتر نامه عطار بکوشش دکتر مهدی محقق (از نشریات انجمن آثار ملی-  
۱۳۴۰) ص ۲۰
- ۱۰- نسخه بدل : خویش مردم بازی میباختی.
- ۱۱- اشتر نامه - ص ۱۷۱
- ۱۲- تاریخ جهانگشا - ج ۱ (چاپ ۱۳۱۲) - بکوشش سید جلال الدین  
تهرانی - ص ۱۳۱
- ۱۳- در مثنوی نیکلسن (ص ۴۸۷) آمده :

با عوام این جمله سته و سرده  
زین عجب تر من ندیدم پرده

- ۱۴- مهر و مشتری - از عناصر تبریزی ، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای  
ملی - طبق صفحه بندی حاضر ص ۶۹
- ۱۵- اگر مدرکی بطور کافی خواننده را قانع نکرد ، واژه نامه مختصر پایان  
این فصل میتواند در این خصوص کمکهای بخواننده بکند.

۱۶- سیاحتنامه شاردن - ترجمه محمد عباسی (امیرکبیر-۱۳۳۶) ج ۴  
ص ۱۹۹

۱۷- همان کتاب - ج ۴ ص ۱۸۸

۱۸- مجموعه الواح مبارکه - (چاپ مصر- ۱۹۲۰ م.) - ص ۱۰۷ تا ۱۰۹  
THEATRE PERSAN (PARIS - LE ROUX) - P : XIV-19

۲۰- قره گوز مهمترین شخصیت نمایشهای عروسکی و سایه ترك بوده است،  
و البته شك نیست که به پهلوان کچل در ایران شبیه است و حتی اثراتی بر آن گذاشته  
است، اما این اثر آنقدرها عمیق و دور نیست که «یاکوب» می گوید: G. JACOB در  
کتاب خود می گوید که در زمان سلطان ارهان عثمانی (۱۳۲۶- تا ۱۳۵۹ م [۷۰۵  
تا ۷۳۸ هـ]) (مردی بنام «شیخ کوشتری»؛ KUSHTARI [شاید: شوشتری]) در تبریز  
اولین کسی بود که نمایش «قره گوز» را روی پرده ترتیب داد. (مقاله: جام جم  
فانوس خیال، سایه و خیمه شب بازی در ایران - از فرخ غفاری- مجله فیلم و زندگی  
شماره ۵ - ۱۳۳۹) - زیرا: نخست که معلوم نیست یا کوب این مطلب را از کجا  
آورده است. دیگر که تاریخی را که او برای این نمایش آورده از تاریخ سنتی پیدایش  
خود قره گوز قدیم تر است. مطابق روایت نمایش قره گوز پس از قتل «قره گوز بنا»  
حین ساختن مسجد سلطانی - بدستور سلطان وقت - بوجود آمد و تاریخ مسجد -  
سلطانی قرن ۱۷ میلادی است. در حالیکه سلطان ارهان متعلق به قرن ۱۴ است  
و در زمان او نمی توانسته مردی نمایشی را که سه قرن بعد رسم میشود در ایران نشان  
داده باشد.

۲۱- «تارتوف» - TARTUFE - ۱۶۶۹ «نمایشنامه ایست از مولیر که در آن  
داستان کشیشی ظاهراً مومن و باطنا حقه بازرا رسم کرده است.

۲۲- دیباچه کتاب شودزکوه - ص XI و بعد. ترجمه نوشته های شودزکورا  
مرهون هم کاری دوست عزیزم آقای فرخ غفاری هستم.

۲۳ - PFTRUSHKA يك فيگورسنتی در خیمه شب بازی روسیه .  
استراوینسکی يك قطعه موزیک باله برای آن ساخت که اول بار در پاریس سال ۱۹۱۱  
اجرا شد .

۲۴- حتی زمانی در این نمایش ضمن تجهیزیه جوراب های نایلون و کاپرز به زن  
داده می شد .

۲۵- مقاله: خیمه شب بازی در آسیا - امین قزانلو (مجله نمایش- شماره ۴  
سال ۱۳۳۵)

## حاشیه و اثره نامه:

۱- منطق الطیر عطار - چاپ سوم (تائیداصفهان - ۱۳۳۶) ص ۱۱۴

۲- صد و پنجاه مقاله - دکتر خلیل تقفی (مطبعه مجلس- ۱۳۱۴).

۳- گرچه ظاهراً این تعریف راجع به سایه بازی است که در آن بریده های  
کاغذ و چرم را در برابر نور قرار میدادند، یا شکل را از داخل آنها درمی آورده نور

از آنها می‌گذرانند . ولی باید گفت که از قدیم دوبازی سایه و عروسک همیشه درهم تخلیط‌میشده و اصطلاح شب بازی برای هر دو آنهاست . رجوع به فصل: «سایه» . فانوس سحر، شود.

۴- شرح عروسک‌هایی مثل : رستم باز (شیطان، شیطانک، علی‌ورجه) ، تک (تکم) ، قی‌تنه (غیننا) که بجای خیمه شب بازی در نمایش‌های فردی دوره‌گردان بکار میرفته . در جای خود بیاید .

### بهرام بیضائی

هرگونه برداشتی از این مقاله و دیگر بخش‌های کتاب «تاریخ نمایش در ایران» بدون ذکر مأخذ مطلقاً ممنوع است .



**گ** ویند ابلیس وقتی نزدیک فرعون آمد، ووی خوشه‌ای انگور در دست داشت و تناول میکرد . ابلیس گفت : «هیچکس تواند که این خوشه انگور تازه را خوشه مروارید خوشاب ساختن؟» فرعون گفت : «نه» ابلیس بلطایف سحر آن خوشه انگور را خوشه مروارید خوشاب ساخت . فرعون تعجب کرد و گفت : «اینت استاد مردی که تویی!» ابلیس سیلی بر گردن او زد و گفت «مرا با این استادی بیندگی قبول نکردند، تو با این حماقت دعوی خدایی چگونه میکنی؟»

از: **جوامع الحکایات و لوامع الروایات: سدیدالدین محمد عوفی.**